

بسم الله الرحمن الرحيم

تنش در روابط الجزایر و مراکش

(ترجمه)

پرسش

اخیراً تنش بین الجزایر و مراکش افزایش یافته است و الجزایر مراکش را به آتش زدن در جنگل‌ها و حمایت از جنبش‌های جدایی طلب، قطع روابط دیپلوماتیک و بستن مرزهای بین‌شان متهم کرده و از عدم تمدید قرارداد گسترش گاز طبیعی به اسپانیا که از طریق خاک مراکش می‌گذرد، خبر داد و مراکش را به کشتن سه الجزائری متهم کرد. دلایل تشدید این تنش با وفاداری آن‌ها به یک طرف یعنی انگلیس چیست؟ از این تنش چه انتظاری می‌رود؟ آیا وضعیت تا مرحله جنگ تشدید می‌یابد یا دوباره به آرامش باز می‌گردد؟ تشکر.

پاسخ

اجازه دهید روابط بین الجزایر و مراکش را مرور کنیم و برای روشن شدن پاسخ موارد زیر را به بررسی می‌گیریم:

1- الله سبحانه و تعالی در قرن اول هجری به سرزمین‌هایی که در مغرب واقع است، اسلام را نعمت داد؛ مردم آنجا داوطلبانه وارد اسلام شدند، پرچم آن را بر دوش گرفتند، در راه آن خالصانه جهاد نمودند، سرزمین‌های‌شان به صورت ولایت در داخل دولت خلافت در آمد و استعمارگران هنگامی که ضعف دولت خلافت را احساس کردند، آن را اشغال نمودند. فرانسوی‌ها الجزایر را در سال 1830م اشغال کردند و اعلام نمودند که بخشی از فرانسه است. بنابراین، مردم آن قیام کردند و در برابر اشغالگران مقاومت کردند. استعمارگران با استفاده از انواع ظلم و آزار، میلیون‌ها نفر از مردم الجزایر را بخاطر هویت اسلامی‌شان کشتند؛ اما هیچ خیری نصیب‌شان نشد و در سال 1962م ذلت‌وار از آن سرزمین بیرون شدند و مجاهدین نیز از حمایت مردم مراکش برخوردار شدند... و در مورد مراکش، فرانسوی‌ها کنترل خود را به نام پیمان حمایت فرانسه از مراکش در سال 1912م تا 1956م بر آن تحمیل کردند و بر اساس سبک غربی یک سلطنت که با استعمارگران رابطه داشته باشد را ایجاد کردند.

2- زمانی که فرانسه استعمارگر از الجزایر خارج شد، رئیس‌جمهور آن، احمد بن بیلا با حمایت امریکا از طریق رژیم مصر در زمان عبدالناصر که از انقلابیون حمایت می‌کرد تا گسترش نفوذ امریکا در الجزایر را تضمین کند، در ارتباط بود. در سال 1963م درگیری‌های بین الجزایر و مراکش رخ داد که ظاهراً نزاع سرحدات بود و بنام "جنگ الرمال" نامیده شد و این اقدامات یکی از جنگ‌های استعماری است؛ چون رژیم الجزایر به رهبری بن بیلا وابسته به امریکا بود و از زمان به قدرت رسیدن حسن دوم در سال 1961م مراکش به بریتانیا وابسته بود است. بنابراین، مزدوران به خاطر کشورهای استعماری که از آن‌ها پیروی می‌کنند، بدون شرم و حیا از الله سبحانه و تعالی و رسولش و مؤمنان با یک دیگر می‌جنگند.

3- اما انگلیس در مراکش از طریق حسن دوم کودتا کرد و مزدور خود "هواری بومدین" را آورد و مزدور امریکا، احمد بن بیلا را در سال 1965م سرنگون نمود که بلاخره روابط بین الجزایر و مراکش خوب شد؛ پس از این که انگلیس وابستگی الجزایر را تضمین کرد، بومدین مانند مراکش به مقام ریاست جمهوری رسید، هردو کشور پیمانی را امضا کردند. برای تعیین مرزها و حسن همجواری در دو مرحله در سال 1969 و 1972م و اختلافات مرزی بین آنها متوقف شد و آنها بر حفظ کشور مستقلی آنگونه که استعمارگران می‌خواستند توافق کردند؛ اما در سال 1976م مراکش روابط خود را با الجزایر در اعتراض به رسمیت شناختن جبهه پولیساریو که امریکا پشت تأسیس آن بود قطع کرد، اگر چه نظام الجزایر مانند سیستم مراکش از بریتانیا پیروی می‌کند. با این حال، بریتانیا از الجزایر می‌خواست که پولیساریو را در آغوش بگیرد تا آن را تحت نظارت قرار دهد و آن را در اردوگاه‌ها و در یک منطقه کوچک محاصره کند تا از ایجاد دولتی در صحرایی مراکش به نمایندگی از امریکا جلوگیری کند؛ بناً از مزدوران خود در مراکش محافظت و نفوذ خود را حفظ کند.

4- سپس خبر از تأسیس اتحادیه مغربی بین مراکش، الجزایر و تونس در سال 1989م دادند و از جمله بندهای آن "حفظ استقلال هر یک از کشورهای عضو" اتحادیه مغربی بود، به عنوان شروع و مقدمه این توافق در سال 1988م اعلام نمودند. از احیای روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی بین نظام‌های الجزایر و مراکش، با موافقت مراکش برای رسیدن به هدف مورد نظر که الجزایر جبهه پولیساریو را حفظ کند که این بخاطر جلوگیری از تمکین و ایجاد دولت حامی امریکا در صحرای غربی است از سرنگونی نظام در مراکش جلوگیری می‌کند. اما بریتانیا به دلیل نفوذ فزاینده امریکا در منطقه و برتری امریکا و سلطه بین‌المللی و توانایی‌اش نمی‌تواند پروژه اتحادیه مغرب یا سایر پروژه‌های خود را اجرا کند.

5- در پایان سال 1991م انتخابات در الجزایر برگزار شد و مردم الجزایر این فرصت را داشتند تا عقیده و باوری که نسبت به دین و حکومت اسلامی دارند، آن را بیان کنند، در حالی که جبهه نجات اسلامی حدود 82% آرا را به دست آورده بود. رهبران سکولار ارتش، به ویژه روشنفکران تثقیف شده فرانسه در الجزایر، علیه شاذلی بن جدید، رئیس‌جمهور که در آغاز سال 1992م به این جبهه اجازه ورود به انتخابات را داده بود، کودتا کردند که این جبهه را مجبور به استعفا کردند. مردمی که کودتا را نپذیرفتند، رهبران این کودتا شروع به کشتار مردم الجزایر کردند و حق حکومت کردن در سرزمین‌شان بر اساس دین اسلام را لغو کردند. پس از قتل عام در این سرزمین نظام الجزایر تمایل به فرانسه داشت که باعث شد از این قتل عام انگلیس سوء استفاده کند و بتواند مزدور خود، عبدالعزیز بوتفلیقه را به ریاست جمهوری بازگرداند. این اتفاق افتاد و الجزایر به آغوش انگلیس بازگشت و بوتفلیقه وظایف خود را برای تلاش عادی‌سازی روابط با مراکش آغاز کرد. بوتفلیقه برای شرکت در تشییع جنازه حسن دوم در سال 1999م از مراکش دیدن کرد و محمد ششم، پادشاه جدید از رویکرد پدرش در متابعت از بریتانیا پیروی کرد و نشانه‌های از بهبود روابط بین دو نظام در سال 2005م ظاهر شد. هردو نظام در خدمت انگلیس که صاحب اختیار در آن کشورها بود درآمدند. هردو کشور ابتداء بخاطر منافع انگلیس تلاش می‌کردند و بعد بخاطر منافع خود باهم همگرا می‌شدند.

6- این وضعیت شکننده و شرایط حساس داخلی در هردو کشور وجود داشت که واقعیت حاکمان هر دو کشور را واضح و آشکار ساخت. بناءً این مشکلات خارجی را باید ایجاد می‌کردند تا مردم را مصروف نگهداشته و آنها را از وضعیت داخلی منحرف کنند که در نتیجه این اختلاف و این تنش‌های داغ در بین‌شان مصنوعی بود...!

و با تدبیر به این شرایط مشخص است که:

الف- از زمان به وجود آمدن جنبش سال 2019م، وضعیت الجزایر آرام نبوده و بلکه آشفته بوده است، اگرچه انتخابات جدید ریاست جمهوری، قانونگذاری و هم‌چنان تعدیل قانون اساسی صورت گرفته است. ...

با این حال تنش داخلی در الجزایر باقی ماند و منبع ثابت فشار بر رژیم جدید در الجزایر شد. بنابراین، رژیم نیاز به ایجاد تنش‌های خارجی به ویژه با مراکش داشت تا توجه مردم را از زوایای داخلی به خارجی منحرف کند، که جنگ‌ها با مراکش بود. بناءً الجزایر از طریق تنش با مراکش به دنبال بازیس‌گیری برخی از مناطق و برقراری اوضاع غیر مستقر داخلی خود است. ...

ب- وضعیت داخلی مراکش جدی‌تر از وضعیت مردم مراکش است که از داخل شدن به مشکلات خارجی تا عادی‌سازی روابط با رژیم یهود؛ رژیمی که سرزمین مبارک فلسطین را اشغال نموده است و سرسخت‌ترین دشمن با الله سبحانه و تعالی، رسول او و مؤمنین است. از آنجایی که این روابط مطیع بودن را به دولت یهود نشان می‌دهد و نظام مراکش رابطه خود را با رژیم یهودی در تمام زمینه‌ها تقویت و ادامه داده است، وزارت دفاع رژیم یهودی گفت: «گانتس، وزیر دفاع با همتای مراکشی‌اش، عبدالطیف لودی تمام تفاهم‌نامه‌ای دفاعی را امضا کردند. آقای گانتس هم‌چنین با رئیس ستاد ارتش مراکش ملاقات نمود و این توافق‌نامه چهارچوب محکمی را فراهم می‌کند که روابط دفاعی دو کشور را رسمی کند و پایه‌ای را برای هرگونه همکاری آینده می‌گذارد... این توافق نهادهای دفاعی در هر دو کشور را قادر خواهد ساخت تا از افزایش همکاری‌ها در زمینه‌های اطلاعاتی، همکاری‌های صنعتی، آموزش نظامی و غیره برخوردار کند.» وب‌سایت خبری اُف اسرائیل گفت: «این اولین توافق از نوع خود بین اسرائیل و یک کشور عربی تا اکنون بوده است.» (منبع: الأناضول 24/11/2021)

نظام مراکش این ذلت و خواری را یعنی برقراری روابط با رژیم یهود را به دلیل این که در مقابل اعلان امریکا و اعتراف ترامپ مبنی به رسمیت شناختن صحرایی غربی به خاک مراکش را توجیه کرد: «من امروز اعلامیه‌ای را امضا کردم که حاکمیت مراکش بر صحرایی غربی را به رسمیت شناخت. پیشنهاد جدی، واقع‌بینانه مراکش برای خودمختاری تنها پایه و اساس راه‌حل برای داد و ستد، صلح و پیشرفت دائمی است!» (منبع: روزنامه، 10/12/2020م)

این استدلال محض و بهانه‌ای زشت‌تر از گناه است و دولت مراکش نیز برای منحرف کردن توجه مردم از ذلت و خواری خود که به سمت رژیم یهودی رفته بود، نیاز به ایجاد مشکلات خارجی به ویژه با الجزایر داشت.

7- به این ترتیب اتفاقات به شیوه‌ای هماهنگ شروع به شعله‌ور شدن، گرفت؛ اما برای این دو رژیم مهم است که وضعیت داخلی را با مرتکب شدن جنایاتی که به همراهی استعمار کافر غربی مرتکب شدند، نگهدارند. برخی از این اتفاقات مشخص است که:

- وزارت امور خارجه الجزایر سفیر مراکش را به دلایل اعتراض و سخنان سرقنسول مراکش که الجزایر را یک کشور دشمن خطاب کرده بود، در شهر وهران الجزایر در ماه مه 2020م احضار کرد و مقامات الجزایری شخص قنسول را غیر مرغوب گفتند.

- در سال 13/11/2020 در منطقه مرزی کراکرات، ارتش مراکش گروهی از تظاهرکنندگان صحرائی را اخراج کرد که مانع عبور مسافران از این مرز با موریتانی می‌شدند و بعدها الجزایر خواستار خروج سربازان مراکشی شد.
- در سال 25/7/2021 سفیر مراکش در سازمان ملل خواستار استقلال مردم قبائلی در الجزایر شد و الجزایر سفیر خود در مراکش را برای مشوره احضار کرد و در سال 23/7/2021 الجزایر ادعا کرد که مراکش از برنامه جاسوسی یهودیان بیگاسوس علیه مقامات مسؤل استفاده می‌کند، در حالی که مراکش این ادعا را تکذیب کرد.
- از زمان تشکیل دولت جدید الجزایر به ریاست ایمن بن عبدالرحمان و اولین جلسه خود را در 25 ژوئیه 2021م، برگزار کرد و سیاست خارجی الجزایر موقف‌های ضعیف را نسبت به مراکش گرفت که با شروع معالجه‌ای دولت الجزایر به بحران آتش سوزی جنگل‌ها آغاز شد و مراکش را متهم به انداختن آتش و نابودی شمال کشور کرد...
- وزیر امور خارجه رژیم یهودی از مراکش دیدن کرد و از آنجا در تاریخ 11/8/2021م، الجزایر را متهم کرد که علیه دولت‌اش همراه با ایران مداخله می‌کند، و این روابط الجزایر و مراکش را بیشتر تحت فشار قرار داد.
- در سال 24/8/2021 رمضان لعمامرة، وزیر امور خارجه الجزایر از قطع روابط با مراکش اعلان نمود و گفت: «در طول تاریخ ثابت شده است که دولت مراکش از زمان استقلال الجزایر در سال 1962 هرگز دست از اعمال غیردوستانه، خصمانه و تحقیرآمیز علیه کشور ما را برنداشته است.» (منبع: فرانس پرس 24/8/2021)

و در سال 22/9/2021 الجزایر حریم هوایی خود را به روی تمام هواپیماهای نظامی و غیرنظامی مراکش بست. در تاریخ 31/10/2021 رادیو آنباء الجزایر گزارش داد که: «رئیس جمهور الجزایر، عبدالمجید تبون به شرکت ملی سوناپراک دستور داده که رابطه تجاری با مراکش و تمدید قرارداد گاز طبیعی اسپانیا از طریق مراکش، متوقف گردد که در نیمه شب ۳۱ اکتبر ۲۰۲۱ به پایان می‌رسد.» و او این موضوع را با «شیوه‌های تهاجمی دولت مراکش نسبت به الجزایر» توجیه کرد.

- بلافاصله پس از اعلان الجزایر، دفتر ملی برق و آب آشامیدنی مراکش اعلام کرد که «تصمیم اعلان شده از سوی مقامات الجزایر مبنی بر تجدید نکردن توافق نامه‌ای خط لوله گاز در مراکش و اروپا اکنون تأثیر چندانی بر عملکرد سیستم برق ملی نخواهد داشت. مراکش گزینه‌های دیگری را برای جایگزین‌های پایدار میان مدت و بلندمدت در نظر می‌گیرد.» (منبع: بی بی سی 31/10/2021م)

- دفتر ریاست جمهوری الجزایر در تاریخ 3/11/2021م اعلان کرد که مراکش متهم به کشتن سه راننده الجزائری است و آن‌ها در حال انتقال کامیون‌های تجارتهی بین پایتخت موریتانی و شهر ورقله در جنوب الجزایر بودند مورد هدف قرار گرفتند. «الجزایر روز چهارشنبه سوم نوامبر، 2021 گفت سه نفر از شهروندان آن در گلوله باران مراکشی‌ها در مرز بین صحرائی غربی و موریتانی کشته شدند؛ در حالی که الجزایر عهد کرده است که مرگ آن‌ها را بدون پاسخ و مجازات نخواهد ماند.» (منبع: دویچ وله 3/11/2021م) خبرگزاری فرانس پرس نیز گزارش داد که آن‌ها دوشنبه گذشته، در 1/11/2021 کشته شدند، در حالی که مراکش آن را تکذیب کرد. (منبع: فرانس پرس 3/11/2021م)

8- پژوهشگر این اتفاقات و موقف‌گیری‌های اعلام شده، معتقد است که حوادث بیشتری بین کشورها رخ می‌دهد و با مذاکره و بحث‌ها، قطع روابط، توقف کامیون‌ها و هواپیماها و حتی قطع انتقال گاز حل نمی‌شود! مگر این که هدف از ایجاد مشکل، منحرف

کردن مردم از جرایم داخلی باشد! به ویژه این دو رژیم که تابع یک استعمارگر به نام بریتانیا هستند و این استعمارگر این مزدوران را برای ایفای نقش‌های مختلف استفاده می‌کند. بنابراین، با وجود این اختلافات موفق‌گیری‌های آن‌ها در مورد مسائل منطقه در شمال آفریقا متحد است، چه در مورد مسائل لیبی و چه در رابطه به تونس باشد.

هیچ تفاوتی بین آن‌ها در مورد مسائل منطقه‌ای در آنجا وجود نداشت، آن‌ها در اینجا اختلاف نظر دارند و در آنجا با توجه به نقش‌های داده شده توسط بریتانیا و هم‌چنین مشتریان دیگر آن توافق می‌کنند... مثلاً قطر و امارات؛ اما به هر کدام از آن‌ها نقش می‌دهند. گاهی منافع آن‌ها نیاز به آشتی دارد و در یک مورد با هم اند و گاهی باید با هم اختلاف پیدا کنند و در کنار یک مزدور امریکایی دیگر همدیگر را پیدا کنند! وظیفه‌ها نیز بین مراکش و الجزایر تقسیم می‌شود. اجماع آن‌ها به نمایندگی از بریتانیا در مورد امور لیبی و تونس منعکس شده است. در حالی که آن‌ها در حال حاضر در اختلاف هستند!

9- در مورد آنچه انتظار می‌رود، جنگ گرم بین آن‌ها در حال حاضر بعید خواهد بود، چرا که علل تنش نظر به واقعیت آن‌ها مثبت نیست؛ اما بعید نیست که زد و خورد‌های کوتاه‌مدت بخاطر بیانیه رئیس‌جمهور الجزایر که در مورد کشته شدن سه الجزایری اظهار نظر کرده بود که (این حادثه بدون مجازات نخواهد ماند) وجود داشته باشد.

اگر طرفین به مذاکره و تفاهم در مورد شیوه مصالحه بریتانیا متوسل نشوند، آرامش را به خاستگاه خود باز خواهند گرداند، اما بعد از این که احزاب احساس می‌کنند مشکلات داخلی شان (عادی سازی مراکش با یک نهاد یهودی، اعتراضات مردم به رژیم جدید الجزایر) دیگر مردم هردو کشور را تحریک نمی‌کند! یعنی هر نوع مشکل دلیل می‌شود که هردو رژیم به تضعیف شود.

در پایان، دردناک است که همه نظام‌ها در جهان اسلام تابع و وابسته به دولت‌های استعماری اند و استعمارگران وظایفی را به آن‌ها واگذار می‌کنند و این دولت‌ها به خاطر منافع استعمارگران وظیفه‌ای خود را انجام می‌دهند. هم‌چنان برای جدایی مسلمانان تلاش می‌کنند و مانع وحدت آن‌ها در دولت واحد می‌شوند؛ دولتی که اسلام را همان طوری که قبل از استعمار تطبیق می‌کرد... این وضعیت باید مسلمانان را بیدار سازد که برای بازگرداندن انسجام در میان آن‌ها و متحد کردن آن‌ها در یک دولت واحد که همانا خلافت راشد باشد، تلاش کنند و حاکمیت دین اسلام را بازگردانند، که در بین‌شان هیچ شکاف و اختلاف وجود نداشته باشد و قسمی باشند که الله سبحانه و تعالی فرموده است.

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [حجرات: 10] ترجمه: مؤمنان برادر یکدیگرند. و همان طور که مسلم از نعمان بن بشیر روایت می‌کند که رسول الله ﷺ گفت: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى»

ترجمه: از نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مؤمنان در دوستی، مهربانی و همکاری با یکدیگر، مانند پیکری هستند که اگر یک عضو آن به درد آید، سایر اعضا با بی‌خوابی (بی‌قراری) و تب با آن هم‌نوا می‌شوند.»

مطابق به 2021/12 /18 م

مترجم: پارسا «امیدی»